

## بررسی فرهنگ یادگیری و نقش آن در مدارس

مریم صالحی افاطمه خلجی<sup>۲</sup> هاله مقیمی<sup>۳</sup> معصومه نجاتی<sup>۴</sup>

۱. کارشناسی کودکان استثنائی، دانشگاه تربیت معلم الزهرا زنجان

۲. کارشناسی گفتار درمانی، دانشگاه تهران

۳. لیسانس پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

۴. کارشناسی مشاوره و راهنمایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

### چکیده

فرهنگ یادگیری جزئی از فرهنگ سازمانی و مجموعه ای از نگرش ها، ارزش ها و فعالیت های درون سازمانی که از فرایند مستمر یادگیری سازمانی و اعضای آن حمایت و آن را تشویق می کند. بررسی فرهنگ یادگیری و نقش آن در مدرسه ها از موضوعات در حال رشد در ادبیات آموزشی است. همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی، تعریف واضح، همه پسند و هماهنگ از فرهنگ یادگیری در مدرسه وجود ندارد. از این رو می توان گفت که، فرهنگ هم محصول و هم فرایند است. فرهنگ به عنوان یک محصول، تجسم آگاهی متراکم از اعضای گذشته سازمان است، اما فرهنگ به عنوان یک فرایند به طور مستمر تجدید شده و به وسیله اعضای جدید که راه های قدیمی را طی می کنند، دوباره خلق می شود

کلیدواژه ها: فرهنگ، یادگیری، سازنده گرایی، مدارس

## مقدمه

فرهنگ مثبت یادگیری در مدرسه کارایی و بهره‌وری مدرسه را بهبود می‌بخشد. در مدارس با فرهنگ‌های یادگیری منفی با روند دلسرد کننده، کارکنان هدف‌های جداگانه دارند، هیچ درکی از تعهد به رسالت انجام یادگیری در مدرسه احساس نمی‌کنند و انگیزه اندکی برای بهبود یافتن فرآیند یادگیری دارند. در مدارس با فرهنگ یادگیری قوی، کارکنان در هنجارهای پایدار تحصیلی و بهسازی سهیم هستند، ارزش یادگیری دانش آموز بیش از راحتی شخصی است و تصور می‌شود که همه بچه‌ها بتوانند مهارت یادگیری خود را ارتقاء دهند.

سازمان آموزش و پرورش مهمترین نهاد اجتماعی کشور و مولد سرمایه اجتماعی است که به علت گستردگی، منحصر به فرد و اهمیت آن در توسعه و رشد همه جانبه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه از اهمیت فوق العاده برخوردار می‌باشد و تحول در این نظام مورد توجه جدی قرار گرفته است. توجه به دو متغیر آموزش و یادگیری در فرهنگ مدارس جهت دستیابی به رشد و توسعه دانش ضرورت دارد و همچنین زیربنای هر مطالعه‌ی فرهنگی آموزش و یادگیری است، فرهنگ یادگیری در مدارس از خرده فرهنگهایی است که بر پایه‌ی آموزش و یادگیری به حیات خود ادامه می‌دهد و می‌توان گفت فرهنگ مدرسه، فرهنگ یادگیری محور است.

توجه و شناسایی فرهنگ یادگیری در مدارس اهمیت بالایی دارد؛ زیرا ماهیت یادگیری و شیوهایی که براساس آن یادگیری در سازمان رخ می‌دهد به شدت بوسیله‌ی فرهنگ سازمانی تعیین می‌شود. تعداد زیادی از پژوهشگران مانند کامینز و ورلی (۲۰۰۵) به این عقیده هستند که فرهنگ به عنوان یک موضوع با اهمیت یادگیری سازمانی را ارتقا بخشیده و یک سازمان را به سازمان یادگیرنده انتقال می‌دهد. برای بررسی نقش فرهنگ در سازمان یادگیرنده نویسندگان بسیاری، واژه فرهنگ یادگیری سازمانی را مورد استفاده قرار داده‌اند.

یکی از استراتژی‌هایی که در رابطه با فرهنگ یادگیری در مدارس مورد توجه صاحب نظران و پژوهشگران قرار گرفته است، استفاده از روش‌های فعال و مشارکتی به جای روش‌های سنتی است. رویکردهای متفاوتی برای آموزش‌های فعال وجود دارد. یکی از مهمترین این رویکردها، نظریه سازنده گرابی است. رویکرد سازنده گرا به این موضوع اشاره دارد که دانش یک امر سازنده است؛ بدین معنی که یادگیرنده از ترکیب دانش گذشته خود و اطلاعات موجود دانش جدیدی را به وجود می‌آورد و به شناخت می‌رسد. در واقع در یادگیری روش‌های فعال و نوین، دانش آموزان را به انجام فعالیت‌های یادگیری معنادار و تفکر درباره آنچه مشغول انجام آن هستند تشویق می‌کنند. بنابراین اجرای روش‌های نوین یادگیری مستلزم وجود فرهنگ یادگیری و انجام کارهای مشارکتی در سازمان است.

فرهنگ یادگیری جزئی از فرهنگ سازمانی و مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها و فعالیت‌های درون سازمانی که از فرایند مستمر یادگیری سازمانی و اعضای آن حمایت و آن را تشویق می‌کند. بررسی فرهنگ یادگیری و نقش آن در مدرسه‌ها از موضوعات در حال رشد در ادبیات آموزشی است. همانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی و اجتماعی، تعریف واضح، همه‌پسند و هماهنگ از فرهنگ یادگیری در مدرسه وجود ندارد. از این رو می‌توان گفت که، فرهنگ هم محصول و هم فرایند است. فرهنگ به عنوان یک محصول، تجسم آگاهی متراکم از اعضای گذشته سازمان است، اما فرهنگ به عنوان یک فرایند به طور مستمر تجدید شده و به وسیله اعضای جدید که راه‌های قدیمی را طی می‌کنند، دوباره خلق می‌شود.

در واقع، فرهنگ مدرسه عامل پیوند دهنده‌ای است که معلمان، والدین و مدیران برای نگاهی هماهنگ به شیوه‌ها و سنت‌های محلی (منطقه‌ای) خود برای افزایش فرهنگ یادگیری دانش آموزان، نیازمند آن هستند. در مدارس قوی فرهنگ یادگیری، همکاری برای حل مسئله، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای دست‌یابی اطلاعات را تقویت می‌کند.

در الگوی سازنده گرابی اجتماعی، فرآیند دانستن، ریشه در تعامل اجتماعی دارد. یعنی اینکه دانش فرد از جهان که به تجربیات شخصی او محدود گردیده است - از طریق تعامل (زبان) با دیگران میانجی می‌شود. بنابراین، دانش هرگز منفعلانه

<sup>1</sup> Cummings & Worley

به دست نمی آید، زیرا نو و تازگی فقط از طریق جذب ساختار شناختی به موضوع تجربه شده ای که قبلاً وجود داشته است حاصل می شود. در واقع، یک تجربه تازه و نو درک نمی شود، مگر آنکه آشفستگی نسبی را در نتیجه مورد انتظار ایجاد کند. فقط در چنین شرایطی ممکن است تجربه به انطباق منجر شود؛ بنابراین ساختار مفهومی بدیع مجدداً یک تعادل نسبی را ایجاد می کند و توجه به این نکته ضروری است که اصلی ترین منبع برای رشد کننده، تعامل با دیگران است.

در خصوص فرهنگ یادگیری و تدریس، رویکردهای متعددی با توجه به خاستگاه های مختلف آن مطرح شده است. گاه رویکردهای یادگیری را بر اساس دیدگاه روانشناسی یادگیری زیربنایی آن نامگذاری می کنند. یکی از نظریه های جدید یادگیری، نظریه سازنده گرایی اجتماعی است که ریشه در اندیشه پیازه، ویگوتسکی، روانشناسان گشتالتی، بارلت و دیویی دارد. این نظریه برخاسته از فلسفه نسبت گرایی است که در آن هر چیزی نسبت به چیز دیگر داور می شود. پیروان این نظریه بر آن اند که یادگیرندگان بر اساس تجارب شخصی خود دانش را می سازند و این کار را به طور فعال انجام می دهند. در رویکردهای ساختن گرایی، دنیای ذهنی فراگیر اهمیت خاصی دارد، زیرا فراگیر اطلاعات را به درون برده و آنها را به روشهایی پردازش می کند که بازتابی است از نیازها، آمادگیها، نگرشها، باورها و احساسات او. بنابراین، ساختن گرایی به تولید معنی از تجربه باوردارد

رویکرد سازنده گرایی بر مبنای انسان شناختی ویژه ای استوار است و تصویری که سازنده گرایی از انسان ارائه می دهد، با دیگر نظریه ها متفاوت است. نظریه سازنده گرایی نظریه ای معرفت شناسانه است که انسان شناسی در آن از جنبه شناختی و معرفتی مورد توجه قرار می گیرد. بنابراین با توجه به اهمیت توجه به فرهنگ یادگیری بر اساس رویکردهای جدید یادگیری مانند رویکرد سازنده گرایی اجتماعی در مدارس، اتخاذ و انتخاب به جای هنجارها در مدرسه توسط مدیر مدرسه در ایجاد انگیزه دانش آموزان برای پیشرفت تحصیلی تاثیر بسیار زیادی دارد.

### فرهنگ یادگیری در مدرسه

فرهنگ عبارت است از کلیه یافته ها، آموخته ها، ساخته ها و پرداخته های یک جامعه در زمینه های مادی و معنوی که از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می کند. حال این سؤال پیش می آید که آیا واقعاً فرهنگ به صورت موجود خود از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. یا اینکه هر نسلی آن را می آموزد و می پروراند و مجدداً می سازد، آنگاه به نسل بعدی منتقل می کند؟ این همان چیزی است که ما به آن فرهنگ پویا می گوییم، و فرهنگی پویاست که آموزشی پویا داشته باشد، زیرا بدون آموزش، هیچ یافته ای پرداخته نمی شود و تحولی در آن به وجود نمی آید.

هنگامی که سازمان و جامعه ای ایجاد شود پایه های فرهنگ آن نیز پی ریزی شده و در طول زمان و به مرور شکل می گیرد. بنابراین فرهنگ همیشه و در همه جا حضور دارد. گروه، جامعه و سازمان همواره با مشکلاتی روبرو بوده و به گونه ای مختلف نسبت به این مشکلات فکر، احساس و عمل کرده است. بر این اساس، افراد گروه ها و ملت ها در برابر مشکلات مشترکی قرار می گیرند که برای حل آن ها به همکاری و تشریک مساعی نیاز دارند. واقعیت این است که همه مشکلات را می توان به دو دسته خلاصه کرد:

شکل ۱-۳) انطباق با محیط خارجی

شکل ۲-۳) مدیریت یکپارچگی داخلی

فرهنگ سازمان را می توان پاسخ های مبتنی بر یادگیری تلقی کرد که آن ها، راه انطباق خارجی و یکپارچگی داخلی را نشان می دهند. هنگامی که اعضا برای حل مشکلات و انطباق با محیط خارجی و مشکلات داخلی تلاش می کنند. ناخودآگاه به یادگیری اقدام کرده اند. به این دلیل که از جهت نظریه پردازی یادگیری و حل مسائل نه تنها متفاوت نیستند بلکه باید گفت با دیدگاه های متفاوت، فرایند یکسانی دارند.

پیشرفت و یادگیری در مدرسه به صورت اتفاقی گسترش نمی یابد. در بررسی مدارس که فرهنگ آموزشی قوی را ایجاد کرده اند مشخص شد که مدیران این مدارس مراحل خاصی را برای ایجاد آن طی کرده اند. مدیران معلمان مدارس خود را برای دست یابی به شایستگی و اعتمادبه نفس در راه کسب دانش و یادگیری رهبری کرده اند.

یادگیری از اصلی ترین و مهم ترین وظایف مدرسه است. مدرسه توسعه نخواهد یافت مگر اینکه کارکنان مدارس به ویژه معلمان به یادگیری مادام العمر بپردازند. هالی و سات ورث<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) پس از سال ها تجربه فعالیت با معلمان و مدارس، به این نتیجه رسیده اند که مدارس توسعه نخواهند یافت، مگر اینکه کارکنان مدارس و به ویژه معلمان مفهوم یادگیری را مورد توجه و پذیرش قرار دهند. بر اساس مطالعات انجام داده در مدارس ابتدایی و متوسطه عوامل اصلی ایجادکننده محیط یادگیری در مدارس راه فرهنگ مدرسه، ساختار، منابع و رهبری عنوان کردند. بارنت<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) به بررسی فرهنگ یادگیری مدرسه پرداخته است. که در آن به عناصر، انگیزه درونی برای یادگیری، توجه و مساعدت مدرسه، انتظارات شخصی معلم از توانایی تعلیم، انگیزه بیرونی برای یادگیری و تعالی در تعلیم. تأکید داشته است. یادگیری مداوم معلمان در مدرسه و در طی دوران خدمت، که نوعی یادگیری سازمانی محسوب می شود، دارای مزایای بسیاری است از جمله:

جدول ۱-۲: افزایش تعهد کاری

جدول ۲-۲: ایجاد ذهنیت رشد یافته

جدول ۳-۲: افزایش خلاقیت و نوآوری

جدول ۴-۲: بهبود انگیزه

جدول ۵-۲: همگام شدن با تغییرات سریع فن آوری

جدول ۶-۲: ترویج رهبری و هوش هیجانی است.

### سازنده گرایی

سازنده گرایی مفهومی عام است که برای افراد مختلف معانی مختلفی دارد. برای برخی به عنوان فلسفه مطرح است درحالیکه برای برخی دیگر به عنوان نظریه یادگیری یا مدلی برای یادگیری مطرح می شود و برای افرادی شاخه ای از روان شناسی می باشد. در معنای لغوی (to construct) از کلمه لاتین (construere) می آید که به معنی مرتب کردن و یا ساختار دادن و سازماندهی کردن است.

جهت بررسی مبانی نظری سازنده گرایی، لازم است رویکرد شناختی و سازنده گرایی مورد بررسی و مقایسه قرار بگیرد. در رویکرد شناختی فرایندهای شناختی بیشتر مورد توجه است. از جمله ادراک، سازمان دهی، درک معنی که مستقیماً قابل مشاهده نیستند. به باور روان شناسان شناختی، یادگیرنده در نتیجه یادگیری در ذهن یا حافظه خود یک ساخت شناختی تشکیل می دهد که در آن اطلاعات مربوط به رویدادهای مختلف نگهداری و سازمان دهی می شود. از نظریه های شناختی مهم می توان به نظریه های گشتالت، یادگیری معنادار و نظریه شناختی اجتماعی نام برد.

در نظریه گشتالت، عنصر اصلی رسیدن به بینش است. یادگیرنده وقتی به بینش دست می یابد که بتواند از طریق درک روابط میان اجزای موقعیت یادگیری به صورت یک کل سازمان یافته به تمامیت آن موقعیت پی ببرد. در نظریه یادگیری معنادار آزوئل. ساخت شناختی و تغییراتی که بر اثر یادگیری در آن صورت می گیرد، اساس یادگیری را تشکیل می دهد. در این نظریه ساخت شناختی عبارت است از مجموعه ای از اطلاعات، مفاهیم، اصول و تعمیم های سازمان یافته ای که فرد قبلاً در یکی از رشته های دانش آموخته است. و به طور کلی یادگیری از راه ایجاد ارتباط بین مطالب تازه و مطالب قبلاً آموخته شده، ایجاد می شود نظریه شناختی اجتماعی مبتنی بر یادگیری از راه مشاهده است دارای جنبه رفتاری و شناختی است. در این نظریه هم بر تقویت و تنبیه وهم بر فرایندهای ذهنی تأکید شده است. سازنده گرایی مبتنی بر این عقیده است که دانش و مهم تر از آن ادراک توسط خود یادگیرنده ساخته می شود و درک فرایندهای ذهنی، دربرگیرنده توجه به ساختارهای مرتبط با دانش و ادراک است که این مسئله از اهمیت فراوانی برخوردار است. رویکرد سازنده گرایی در دو دسته اصلی مورد مطالعه قرار می

<sup>2</sup> Holly & Southworth

<sup>3</sup> Barnett

گیرد. اول نظریه روان‌شناسی سازنده‌گرایی، که افراد چگونگی حیات درونی و عناصر شناختی یا هیجانی خود را سازمان می‌دهند. فرایندهای سازنده‌گرایی هم زمان دریافت اطلاعات و وارد کردن آن‌ها به حافظه درازمدت و هم در جریان بازیافت از حافظه درازمدت و معنا کردن پدیده‌ها اتفاق می‌افتد. مورد دوم نظریه اجتماعی سازنده‌گرایی است که، عمدتاً کوشش‌های اجتماعی افراد برای دستیابی به معنا در محیط اجتماعی را مورد تأکید قرار می‌دهد. مطابق این نظریه، دانش فرد امری ذاتی و درونی نیست بلکه وابسته به زمان و مکان است که به وسیله ویگوتسکی ارائه شده که معتقد است یادگیری امری فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است و این یادگیری، یادگیری موقعیتی نامیده می‌شود.

به عقیده سازنده‌گرایان، یادگیرندگان واقعیت خویش را می‌سازند و یا حداقل آنرا مبتنی بر ادراک و تجربیات خود تفسیر می‌کنند. بنابراین دانش شخصی تابع تجربیات پیشین، ساختارهای ذهن و اعتقادات شخصی است که برای تفسیراشیاء و وقایع مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه یک شخص می‌داند در ادراک از تجربیات فیزیکی و اجتماعی که به وسیله ذهن فهمیده می‌شود ریشه دارد.

اگر هر فرد دیدگاه خودش را درباره واقعیت داشته باشد، ما چگونه میتوانیم به عنوان افراد یک جامعه با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم و یا همزیستی داشته باشیم؟ «شاید شایعترین استنباط نادرست از سازنده‌گرایی این باشد که هر یک از ما یک واقعیت بی‌همتا را می‌سازیم که آن واقعیت فقط در ذهن داننده است که این بدون شک به آنارشیسم ذهنی منجر می‌شود». از دیگر نکات مورد نظر سازنده‌گرایان، یادگیری موقعیتی است. اگر به نظام آموزشی نگاهی انداخته شود به وضوح خواهیم دید که جدایی بین دانستن و نحوه انجام کار در محیط واقعی به طور سنتی در یادگیری مدارس و دانشگاهها به طور آشکارا وجود داشته است.

به طور کلی مفروضات سازنده‌گرایی شامل موارد زیر است:

- ۱- دانش از تجربه ساخته می‌شود.
- ۲- یادگیری فرآیند تفسیر شخصی از جهان است.
- ۳- یادگیری فرآیندی فعال است که با ایجاد معنی مبتنی بر تجربه توسعه می‌یابد.
- ۴- یادگیری باید در محیطی واقعی باشد و آزمودن باید با تکلیف در هم تنیده شود نه اینکه یک فعالیت مجزا باشد.

### یادگیری و نظریات یادگیری در رویکرد سازنده‌گرایی

ایده اصلی سازنده‌گرایی این است که یادگیری انسان ساخته می‌شود و یادگیرندگان دانش جدید را براساس یادگیری‌های قبلی می‌سازند. این دیدگاه از آنجا که تأکید بر مشارکت فعال یادگیرنده در فرآیند تسلط موثر بر موضوع یادگیری و به تبع آن نگرش مثبت به نسبت به یادگیری دارد کاملاً عکس دیدگاهی از یادگیری است که به انتقال منفعلانه اطلاعات از فردی به فرد دیگر می‌نگرد. یا کاملاً عکس نظریه یادگیری عینیت‌گرایی است که در آن دانش بیرونی است و وظیفه مربی انتقال این دانش به ذهن یادگیرنده است. از طرف دیگر نظریه سازنده‌گرایی بر یادگیری وابسته به شرایط و موقعیت و فرآیند یادگیری تأکید می‌کند. این نظریه معتقد است جهانی که یادگیرنده تجربه می‌کند و می‌سازد (تعامل فرد و جهان) مهم است. در کلاس درس نیز تعامل در هر جهتی بین معلمان و یادگیرندگان در فرآیند یادگیری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بروکس اظهار می‌دارد که از زمانی که انسانها شروع به سؤال کردن از یکدیگر کردند کلاس‌های سازنده‌گرایی شروع شدند. ریشه فلسفی این نظریه به کارهای سقراط و افلاطون و ارسطو برمی‌گردد که در نظریات فلسفی قرن‌های اخیر ظاهر شده و به صورت سازنده‌گرایی درون‌زاد، سازنده‌گرایی برون‌زاد، سازنده‌گرایی دیالتیکی و سازنده‌گرایی رادیکال و ... بروز پیدا کردند. ظهور این مبحث به عنوان یک گفتمان روانشناختی مربوط به اواخر قرن بیستم و حاصل تلاش افرادی همچون دیویی، پیاز، برونر و ویگوتسکی است که به عنوان معماران این نظریه در این حوزه به شمار می‌روند.

با این توصیف، چندین دهه است که نظریه یادگیری جدیدی با عنوان سازنده‌گرایی که ریشه در عصر پست مدرن و اصلاحات اجتماعی دارد، در درون پارادایم شناختی دیده می‌شود. این دیدگاه به عنوان بخشی از جنبش شناختی، نظریه‌ای انقلابی نیست بلکه، از تحقیقات روان‌شناسی شناختی اخذ شده و بیانگر عدم رضایت از تعلیم و تربیت سنتی است که متأثر از دیدگاه

رفتارگرایی است. علیرغم شباهت هایی که شناخت گرایی با سازنده گرایی در مفاهیمی همچون طرحواره، پیوندگرایی، ابررسانه و چندرسانه ای دارد لیکن، در شناخت گرایی جنبه عینیت گرایی بیشتر است که جلوه بارز آن را می توان در مدل های رویکرد سیستمی در طراحی آموزشی دید. از دید کوبرن یکی از دلایل اولیه جایگزینی سریع سازنده گرایی به جای نظریه رشد شناختی ایجاد بنیانی برای تحقیقات و روش های عملی آموزش علوم است.

ایده اصلی سازنده گرایی این است که دانش به عنوان فرایند و نه محصول، امری موقتی، رشدی، اجتماعی، فرهنگی و غیرعینی بوده، خلق کردنی است به جای کسب کردنی و توسط فرد و از طریق تعامل او با محیط و کسب تجربه به صورت انفرادی یا اجتماعی ساخته می شود. معانی که ساخته می شوند، می تواند به تعداد افراد، متنوع باشند، در نتیجه دستیابی به یک معنای از قبل تعیین شده صحیح، امکان پذیر نخواهد بود.

از آنجا که در سازنده گرایی فرض وجود واقعیت عینی و مستقل از یادگیرنده منتفی است، لذا صحت این فرض نیز که یادگیرنده از راه یادگیری، نسخه ای از این جهان را به ذهن خود می سپارد، بخودی خود رد می شود. پیروان این نظریه معتقدند که یادگیرندگان بر اساس تجارب شخصی خود دانش را فعالانه می سازند. یادگیری نیز حضور فعال یادگیرنده در جریان ساخت معرفت فرض می شود. چنین یادگیری امری زمینه ای یا موقعیتی، آگاهانه و اختیاری است. سازنده گرایان در ضدیت با رفتارگرایان و با تاکید بر یادگیرنده محوری پیشنهاد می کنند که باید دانش آموزان را تشویق کرد تا با درگیر شدن باتکالیف اصیل یا واقعی به یادگیری بپردازند. چنین تکالیفی با زندگی واقعی و عملی آنها در ارتباط است.

### نتیجه گیری

نتایج بررسی ابعاد به دست آمده به منظور برآزش الگوی فرهنگ یادگیری مبتنی بر سازنده گرایی، نشان داد که نتایج و ابعاد حاصل از آن دارای خصوصیات روان سنجی مناسبی است.. با لحاظ کردن چنین مشخصه هایی، نتایج نشان داد که عامل ها دارای ساختار بسیار قوی و منسجم بودند به طوری که تمام گزاره های مورد نظر فقط روی یک عامل بار داشتند و بنابراین هیچ همپوشی روی دیگر عامل ها را نشان ندادند. این نتایج نشان دهنده میزبان هم خوانی بالای مدل به دست آمده با مدل مطلوب است. همچنین با توجه به روش شناسی قوی انجام شده در این پژوهش می توان از این یافته ها به عنوان پرسشنامه ای استاندارد برای پژوهش های آتی استفاده کرد.

### منابع

- 1.Mohammadi, Mehdi et al. (۲۰۲۰). "Relationship between teachers' perceptions of school culture and their innovative adaptation to the use of information and communication technology in the teaching-learning process", Quarterly Journal of Educational Innovation, No. 1, Year 11, pp. 85-72. [Persian]
- 2.Barnett, R. (2001). Learning to work and working to learn. In Supporting lifelong learning (pp. 17-30).
- 3.Talepasand, Siavash, Jamshidi, Rouini Thani, Laleh Farzaneh. 1394. The moderating role of school size in relation to school culture with students' academic achievement, bi-monthly journal of education and learning research, Twelfth Year No. 2 (Fall and Winter 2015), pp. 79-88[Persian].
- 4.Habibi, Hamdaleh, et al. (۱۳۹۲). Investigating the "learning-oriented" atmosphere of the school and its relationship with school effectivenessBi-Quarterly Journal of Teaching and Learning Research, 33 (20), 119-101. [Persian].
- 5.Carpenter, D. (2015). School culture and leadership of professional learning communities. International Journal of Educational Management, 29(5), 682-694.
- 6.Johnson, D. W., Johnson, R. T., & Smith, K. A. (2014). Cooperative learning: Improving university instruction by basing practice on validated theory. Journal on Excellence in University Teaching, 25(4), 1-26.
- 7.von Glasersfeld, E. (1992). A constructivist's view of learning and teaching. Research in physics learning: Theoretical issues and empirical studies, 29-39.

- 8.Zali, Mohammad Reza (1383). Interaction of culture and organizational learning. Mesbah Scientific Research Quarterly. Imam Hossein University Press. Thirteenth Year, No. 51. [Persian]
- 9.McGovern, K. (2014). Greenhouse Schools in Boston: School Leadership Practices across a High-Performing Charter Sector. TNTP.
- 11.Saeed Mahmoudabadi, Fatemeh; Mahmoudi, Medina and Azizinejad, Bahareh (2015). Investigating the Relationship between the Components of Teacher Learning Culture and Students' Academic Achievement, 3rd International Conference on Applied Research in Management and Accounting, Tehran, Shahid Beheshti University. [Persian].
- 2.Britt, A., (2015). Greenhouse Schools: How Schools Can Build Cultures Where Teachers and Students Thrive Australian Journal of Teacher Education.
- 13.Rouini Thani Farzaneh, Tale Pasand Siavash, Jamshidi Laleh. (1394). The moderating role of school size in the relationship between school culture and students' academic achievement, bi-monthly journal of education and learning research. 2 (7): 88-79 [Persian].
- 14.Mc Donnell E, Hevey D, McCauley M, Ducray KN. Exploration of associations between early maladaptive schemas, impaired emotional regulation, coping strategies and resilience in opioid dependent poly-drug users. *Subst Use Misuse*. 2018;53(14):2320-9.
- 15.Haiyan, Q., Walker, A., & Xiaowei, Y. (2017). Building and leading a learning culture among teachers: A case study of a Shanghai primary school. *Educational Management Administration & Leadership*, 45(1), 101-122.
- 16.Mafakheri, Shahab. (1396). Comparison of the effect of constructivist and traditional teaching methods on learning thinking and lifestyle and social adjustment of seventh grade male students in Sanandaj in the academic year 2016-2017. Master Thesis. Field of Psychology-Educational Psychology. Faculty of Literature and Humanities. Urmia University. [Persian].
- 17.johnston&Hawke, G. (2002). Case – studies of organisations with established learning cultures. Leabrook/AustraliaNational Centre for Vocational Education Research (NCVER).
- 18.Odundo, P. A., & Gunga, S. O. (2013). Effects of application of instructional methods on learner achievement in business studies in secondary schools in Kenya. *International Journal of Education and research*, 1(5), 1-22.
- 19.Yamini, Mohammad and Bagherinia, Hassan. (1396). Study of psychometric properties of the students' perception of the social adaptive learning environment in the university and comparison of its preferred and existing form in students. *Quarterly Journal of Psychological Studies and Educational Sciences*
- 20.Eskandari, Hussein. (1389). Epistemological explanation and critique of the theory of communication based on the theory of Islamic realism and presenting the components of teaching learning from its perspective, Tehran. PhD Thesis in Philosophy of Education. Tarbiat Modares University.
- 21.Sheiki Fini, Ali Akbar. (1381). Fundamentals of constructivist epistemology and the implications of teaching or learning it, PhD thesis in philosophy of education. Faculty of Humanities. Tarbiat Modares University.